

کشاورزی، اصلی‌ترین اهرم توسعه اقتصادی است

غذائی در کنار افزایش تولید محصولات کشاورزی رشد نکند، نتیجه این خواهد بود که میزان بیشتری از حاصل دسترنج کشاورزان، به صورت ضایعات از بین برود (که این مورد در سالهای اخیر به خوبی مشهود بود). البته گفته می‌شود اخیراً کمیته ملی کاهش ضایعات کشاورزی با مشارکت وزارتخانه‌های کشاورزی، جهادسازندگی و دانشکده‌های بهداشت و کشاورزی تشکیل شده است. جا دارد وزارتخانه‌های صنایع و بازرگانی و نهادهائی چون انجمن متخصصین علوم و صنایع غذایی و سندیکا و تعاونی صنایع کسرو ایران نیز در چنین

سازماندهی دستگاههای اجرایی مرتبط با امر کشاورزی به خصوص در زمینه صادرات، عملکرد مطلوبی نداشته است. به عنوان مثال در سال گذشته، از مجموع صادرات کالاهای غیرنفتی (۲۰۲ میلیارد ریال) تنها ۵۲ میلیارد ریال آن سهم محصولات کشاورزی بوده است. در واقع آنچه که از کشاورزی برای توسعه اقتصادی کشور انتظار می‌رفته برآورد نشده است. بخشی از این عدم موفقیت مربوط می‌شود به دخالت بیش از حد دولت در امر صادرات که گاه به صورت موانعی بروز می‌کند. همچنین ضعیف‌تر شدن توان محدود بخش

ترویج در سطح تولیدکنندگان، ایجاد نمایشگاهها و ترمینالهای صادراتی محصولات کشاورزی در مبادی ورودی و خروجی، تحقیق، آموزش و ترویج روشهای جدید به کارگیری تکنولوژی مدرن، جهت افزایش تولید و بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها. گسترش و تقویت شبکه اطلاع‌رسانی و اشاعه اطلاعات به هنگام و قابل استفاده فنی تولید و بازاریابی.

و سرانجام اینکه دولت طی دوران اجرای برنامه در زمینه تحقیق و بررسی، ۸۰۹/۴ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری خواهد کرد و تعداد ۱۲۲۰ طرح مشترک تحقیقی -

در بخشی از خط‌مشی اساسی کشاورزی طی برنامه دوم توسعه می‌خوانیم: واردات محصولات کشاورزی و دامی با نرخ ارز شناور و تعرفه و سود گمرکی متناسب و رعایت ملاحظات قرنطینه، آزاد خواهد بود و همچنین محدودیتی در صادرات محصولات داخلی به جز مراعات کنترل کیفیت و مانند آن رعایت نخواهد شد. از تولیدات کشاورزی در مقابل محصولات مشابه خارجی حمایت منطقی به عمل خواهد آمد تا جایی که صرفه اقتصادی در تولید محصولات کشاورزی که دارای مزیت نسبی هستند، برای کشاورزان ایجاد گردد.

تحقیق، آموزش و ترویج از طریق بکارگیری تکنولوژی و روش‌های جدید به عنوان یکی از وظایف اصلی دولت در بخش کشاورزی، منابع طبیعی و امور دام تلقی خواهد شد. برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در زمینه ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی و واحدهای فنی و خدمت‌رسانی در بخش کشاورزی به منظور جلب سرمایه‌گذاری، مشارکت بخش خصوصی و افزایش ارزش افزوده تولیدات کشاورزی و دامی انجام خواهد شد.

۵/۶ میلیارد دلار صادرات

در اهداف کمی برنامه دوم توسعه آمده است: صادرات محصولات کشاورزی از ۸۸۷ میلیون دلار در سال ۱۳۷۲ به ۱ میلیارد و ۳۶۸ میلیون دلار در سال ۱۳۷۷ افزایش خواهد یافت، به این ترتیب در مجموع صادرات محصولات کشاورزی معادل ۵ میلیارد و ۶۲۳ میلیون دلار طی برنامه خواهد بود.

در برنامه دوم توسعه در زمینه اقدامات اجرایی می‌خوانیم: معافیت از پرداخت کلیه تعرفه‌های گمرکی برای ورود ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی و نهاده‌های مورد نیاز کشاورزی که در کشور تولید نمی‌شود. تأمین بخشی از هزینه‌های مربوط به بیمه محصولات کشاورزی، سازماندهی و ایجاد شبکه

ترویجی در پایان برنامه دوم به اجراء در خواهد آمد که این رقم دو برابر تعداد طرحهای برنامه اول است. چنین برمی‌آید که هیچ نکته‌ای از چشم برنامه‌ریزان دور نمانده است ولی اینکه چگونه ممکن است با اجرای این برنامه و تحقق اهداف آن، بخش کشاورزی به عنوان اهرم توسعه در کل ساختار اقتصادی کشور نقش واقعی خود را ایفاء کند مسئله‌ای است که در آینده روشن خواهد شد.

در برنامه اول، رشد بخش کشاورزی از نظر تولید حتی بیش از میزان پیش‌بینی شده بود، اما



کمیته‌ای مشارکت فعال داشته باشند تا رسیدگی به این مشکل ملی و برنامه‌ریزی برای مقابله با آن در مقیاس وسیع‌تر و مطمئن‌تری امکان‌پذیر شود.

به هر حال، فراموش نکنیم صنعتی شدن و توسعه اقتصادی کشور جز در پرتو توسعه کشاورزی و صنایع جنبی آن و نیز باور داشتن داناتی و خلاقیت نیروهای متخصص امر دشواری است. توجه به همین واقعیات است که می‌تواند توان ما را برای حضور در بازارهای جهان افزایش دهد.

خصوصی، امکان دستیابی به ارقام پیش‌بینی شده صادرات را از بین برده است. سخن اینجاست اگر دولت سیاست تعدیل اقتصادی، خصوصی‌سازی و توسعه صادرات را سرلوحه اهداف خود قرار داده تنها با افزایش بخش کشاورزی یک بعدی در زمینه بخش کشاورزی این اهداف برآورده نخواهد شد بلکه توسعه سیستماتیک کشاورزی در ارتباط ارگانیک با سایر بخشهای اقتصادی است که می‌تواند ضامن موفقیت این سیاست‌ها باشد. به طور مثال چنانچه امکانات نگهداری و بسته‌بندی و گسترش صنایع تبدیلی